

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و جعلنا من خیر اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه

قبل از اینکه گزارشاتی را خدمت دوستان داشته باشم چند نکته را باید توجه نمود:

نکته اول: ایستادن بر خط مستقیم الهی بر عدالت، بر توحید، بر اسلام ناب و بر ولایت به این سادگی‌ها که بعضی گفتگو می‌کنند نیست. اینکه ولایت را طوری بگویند که چهار تا بچه چهارم و پنجم ابتدایی هم متوجه شوند، این همه مشکلات در طول تاریخ ایجاد نمی‌شد. دشوارترین کار حرکت در مسیر حق و در مرز حق است. اگر درک و عمق مسایل به این سادگی بود این همه انحراف در طول تاریخ بشری اتفاق نمی‌افتاد. اگر فهم مسایل به این سادگی بود که کسی گمراه نمی‌شد. اگر درک ولایت به این سادگی بود این همه پیامبر و امام نباید می‌آمدند. همین شهادت یازده امام، شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها نشانه گمراهی است. شهادت شهید بهشتی نمونه گمراهی بشر است.

نکته دوم: اگر کسی در چنین موضع خدمتی قرار گیرد که من قرار گرفته‌ام، شاید حدود ۱۰ درصد از حرفهایش را بتواند بزند، حدود ۲۵ درصدش را شاید بتواند بعد از تمام شدن مسئولیت در آینده بگوید و حدود ۶۰ درصدش را هرگز نمی‌تواند بگوید، چون مصالح بالاتری هست، برای اینکه راه بماند، برای اینکه انقلاب حفظ شود. ما که نیامده ایم فقط خودمان را حفظ کنیم، آمده ایم که پرچم، عزت ایران اسلامی، این نظام بماند. می‌گویند منحرف شده ای، اگر انحراف این است که مخالفان دولت می‌گویند، ما از اول هم منحرف بودیم و گفتیم که این معادلات را قبول نداریم! سال ۸۳ یکی از همین آقایان آمد و تحلیلی کرد و گفت برای ریاست جمهوری ما به آقای دیگری فکر می‌کردیم - همین آقای که در استیضاح وزیر اقتصاد خیلی جوش میزد که من ترسیدم قلبش بایستد - دیدیم او نمی‌تواند، تو آماده ای؟ گفتیم متوجه ابعاد و تبعات حرفی که می‌زنی هستی؟ اگر یک نفر مثل من از متن پابرنه‌ها جامعه بیاید رییس جمهور شود یک انقلاب دوباره است، بساط اشرافی‌گری و شاهنشاهی و خانواده تباری و بچاپ بچاپ را جمع می‌کنم، تو تحمل داری؟! من بیایم پنهان کاری ندارم، سیاسی کاری ندارم بدان اگر همه دنیا بر علیه ما باشند ذره ای کوتاه نخواهیم آمد. در سفر به استان خراسان جنوبی دوستان تشریفات روستای محرومی را انتخاب کردند، سرزده به روستا رفتیم، وقتی رسیدیم به خدا قسم می‌خواستیم زمین دهان باز کند و بروم زیر زمین، ما مسئولیم و این همه فقر، این همه محرومیت؟! عده ای دارند منفجر می‌شوند از بس که خورده‌اند و ... فراموش نکرده اید سال ۸۳ را که کسی جرات دفاع از شهدا و دفاع مقدس را نداشت و در تریبون رسمی می‌گفتند دوران امام تمام شده و به موزه تاریخ پیوسته، کسی هم چیزی نگفت! گفتیم من بیایم می‌ایستم روی مرز حق و کوتاه نخواهم آمد.

اما چند نکته پیرامون مسائل و شرایط جهان: یک کتابی قبل از انقلاب چاپ شد به نام «تاریخ ۳۰ ساله» یک کمونیست نوشت که قبل از انقلاب اعدام شد می‌گوید: «اگر امام خمینی رحمت الله علیه کوچکترین فرصتی پیدا کند تمام جهان را تغییر می‌دهد، و انقلابی پیدا خواهد شد که دنیا را خواهد گرفت» جایگاه ایران جایگاه بزرگی در تحول عظیم جهانی است. به خاطر همین می‌خواهند نگذارند ایران ذره ای فضا پیدا کند. خوب ما در کشور در دوره اول که دوران جنگ است مشغول به جنگ بودیم. در دوران دوم با شعارهای تنش زدایی و گفتگو و ... هرچند که این شعارها خوب است ولی چون آنها از موضع ضعف وارد شدند در نتیجه کار معکوس شد، و هرروز عقب نشینی کردیم، همین دسترسی ایران به انرژی اتمی یعنی شکست ۱۵۰ سال ۲۰۰ سال شعار استعمار علیه دین، یعنی اگر ما توجه داشته می‌توانیم معادلات جهان را بهم بزنیم.

وقتی ایستادیم در دنیا روی اصول ، دیدید چه اتفاقی در دنیا افتاد. اینها کلک زدند ؛ استعمار گران با بحث نظم نوین جهانی می خواهند مدلی بدلی از حکومت امام عصر (عج) را به بشریت نشان دهند ، که الحمدلله با استواری بر مواضع این در حال فروپاشی است. در سفر اخیر به سازمان ملل در جمع اقتصاددانان و بزرگان اقتصادی آمریکا که نزدیک به بیست و چند نفر بودند خودشان می گفتند : ما دیگر از مواضع آمریکا دفاع نمی کنیم. این برای من خیلی جالب بود که برای اولین بار اقتصاددانان از سیاست های اقتصادی دولتشان دفاع نمی کردند. آنجا به آنها گفتم : که مردم این وضعیت را تحمل نخواهند کرد و به زودی علیه نظام سرمایه داری قیام می کنند و به آنها توصیه کردم که قبل از اینکه وضع به شورش برسد خودتان اصلاح کنید و مسائل را مدیریت کنید تا از بین نروید. گفتم ما داریم به شما خبر می دهیم از سر دشمنی نیست بلکه از سر دوستی است. امروز در شرایط حساسی هستیم ؛ غرب تمام قوای خود را بسیج کرده که بزند و کار را تمام کند ، مثل روز روشن است که ناتو برای حمله به ایران له له می زند. مثل روز روشن است که اگر اتفاقاتی که اطراف رژیم صهیونیستی محقق بشود ؛ تمام حرکت ها به سمت ایران خواهد شد. شرایط عادی نیست ، داریم به لحظه برخورد نهایی نزدیک می شویم ؛ البته این برخورد الزاما برخورد نظامی نیست و ممکن است برخورد سیاسی و... باشد. داریم به نقطه اوج می رسیم ، اگر غفلت کنیم ضربه ای خواهیم خورد که تا ۵۰۰ سال نتوانیم بلند شویم. در لیبی چه شد؟ کار دست چه کسانی افتاد؟ ما از قبل گفتیم و چقدر سرو صدا راه انداختند و انشاء الله تحلیلیمان در آینده روشن می شود که آمریکا فهمید که اگر این انقلاب ها را جلو نیندازند دیگر نمی توانند در منطقه حضور داشته باشند.

اینها می خواستند به سوریه حمله کنند تا راه را باز کنند برای حمله به ایران. به دبیر کل گفتم برو به همه بگو ناتو پایش را بگذارد به سوریه منطقه منفجر خواهد شد. انشاء الله اگر بتوانیم داخل سوریه و انقلاب های منطقه را خوب مدیریت کنیم ، بعد از ۳ تا ۵ سال آینده همه چیز به نفع ایران تمام خواهد شد. وقتی مناسبات عمومی جهان سست شود قاعدتاً این تاثیر در ایران هم اثر خواهد گذاشت. داخل کشور مشکلات و نارضایتی کم نیست ، در انتخابات ۸۸ حدود ۱۴ میلیون نفر به مخالفین که به این مشکلات پرداختند رای دادند ، ما هم همان حرفها را می زدیم اما مردم احساس کردند که آنها صداقت ندارند. هنر این دولت این بود که این انتقادات را در چارچوب نظام و ارزشها و انقلاب مطرح کرد ؛ این اعتقاد ماست این انقلاب ظرفیت پاسخگویی به همه نیازهای مردم را دارد.

قبل از انتخابات ۸۸ از طریق بچه های حزب الهی که در ستادهایشان بودند متوجه شدم که جریانی بسیار پیچیده برای براندازی سازماندهی می کند ، آنها خانه های تیمی و موتور و حتی اسلحه آماده کرده بودند. ۶ ماه قبل از انتخابات به وزیر اطلاعات هشدار دادم که اینها قصد براندازی دارند ؛ گفتند خبری نیست. ۳ ماه بعد گفتم دو نفر از معاونین وزارت اطلاعات با جریان فتنه همراهی می کنند. گفتم این دو معاون را بردارید ؛ گفت من تکلیف خودم را از جای دیگری می گیرم! گفتم اگر زمان انتخابات رسید و براندازی اتفاق افتاد، جواب خدا و شهدا را چه می دهید؟ ... چند بار به آقای اژه ای گفتم ؛ عوض اینکه تمام انرژی را آنطرف بگذارند آمدند روی ما کار کردند بعد هم دیدید که آقای موسوی پنجشنبه قبل از انتخابات در مصاحبه با تایمز گفته بود که انتخابات فقط برای ما یک مرحله است چه ببریم چه ببازیم در خیابانیم. برنامه بر این بود که جلوی هر وزارت را ۵۰۰ نفر بگیرند و وزارتخانه را اشغال کنند و سپس مجلس را تعطیل کنند و سپس به سمت بیت رهبری بروند.

بعد از این که محضر رهبری عزیز رسیدم به ایشان گفتم آقا انشاء الله رای ما بیشتر است ، انقلاب برنده است و ما پیروز انتخابات هستیم. آقا فرمودند : چطور این حرف را می زنید؟! گفتم چون در متن مردم هستیم. گفتند : این حرف قابل قبول نیست ؛ من هم در متن مردم هستیم. گفتم مردم برای شما حریم قائل می شوند ، شما مثل پدر

هستید ولی من مثل برادر و داداش ، مردم با ما رودرواسی ندارند مردم راحت به ما میگویند داش محمود! شما ناراحت نیاشید تازه مناظره ها هم هست انتحاری می زخم به خط! آقا فرمودند : بسیار خوب ولی مواظب باشید تند نشوید. گفتم چشم. دیدید که دو ، سه تا کلمه بیشتر نگفتم این همه سروصدا شد.

البته ماجرا تمام نشد ؛ جریانی که از اول با انقلاب صادق نبودند ، از ابتدا دنبال پست و مقام بودند با جریان براندازی همراه شدند. در انتخابات سال ۸۴ به من گفتند برو کنار، گفتم چرا؟ گفتند تو یک درصد بیشتر رأی نداری، گفتم که من جوان هستم، کلی آرزو دارم، مگر یک درصد رای ندارم، برای شما که با این یک درصد مشکلی ایجاد نمی شود بگذارید شرکت کنم تا دلم خوش باشد. کار به جایی رسیده بود که گفتند اگر کنار نیروی کاری می کنیم که در این مملکت نتوانی زندگی کنی. بعد از انتخابات ۸۴ با سایر کاندیدهای اصول گرا دیدار داشتیم و گفتم هرکس طرح و برنامه و نیرویی دارد به من معرفی کند ، یکی از آنها (قالیباف) که بعدا به مجموعه دیگری رفت گفت من نه طرح دارم و نه نیرو. ولی با این وجود از بیست و یک نفر اعضای کابینه اول ، یازده نفر از کسانی بودند که در لیست آنها بودند که بخاطر همین موضوع از طرف حامیان و دوستان راجع به خیلی ها مورد اعتراض قرار گرفتم اما بدانید اگر آنها را در کابینه نمی آوردم همان اول دولت نهم ریشه کن می کردند و کسی هم نمی فهمید حرفهای دولت چیست.

قبل از انتخابات ۸۸ خبر- دارم جلسه ای با هم داشتند گفته بودند : اگر این دولت دوباره رأی بیاورد، ما دیگر نمی توانیم در این مملکت کاری انجام بدهیم. اگر یک بار دیگر رای بیاورد قائله حزبو حزب بازی را جمع می کند. غرب هم نظرش این بود اگر این دولت رای بیاورد مناسبات جهانی بهم می خورد ؛ به همین خاطر با تمام وجود به صحنه آمدند و جریان مخالف کمک کردند . حتی یکی از این آقایان به ظاهر اصول گرا نامه نوشته بود به رهبری که فالانی (موسوی) چون رأی می آورد ، باید خودمان را برای کار کردن با آنها آماده کنیم.

تخلف ۱ میلیاردی دولت که قبل از انتخابات مطرح کردند و بعد مشخص شد دروغ بود، بساطی که سر مرحوم کردان درست کردند همه اش از ابتدا یک سناریوی طراحی شده جهت انتخابات بود تا ما را تخریب کنند.

برخی خودشان را آماده تبریک به طرف مقابل (موسوی) کرده بودند. اینها خودشان تمام حیثیتشان از جریان اصولگرا بود تبریک به نامزد اصلاح طلبان می گفتند و گول آنها را خوردند. وقتی ۱۰ درصد از صندوقهای تهران را بازشماری کردند، رأی من ۸ هزار تا بیشتر شد که تصمیم گرفتند بازشماری را ادامه ندهند چرا که در کل کشور اگر این کار را میکردند ، حدود ۷۰۰ - ۸۰۰ هزار تا به آرای من اضافه می شد. چونتهران نمونه آماری خوبی برای کل کشور است. بعد از انتخابات حدود ۳۰۰ خانه تیمی سازماندهی شده کشف شد که در برخی از آنها اسلحه وجود داشت اما وزارت اطلاعات از اینها غفلت کرد به جای اینکه روی براندازان تمرکز کند ، روی دولت و تیم دولت تمرکز کردند.

بعد از انتخابات ۸۸ در سفر به سازمان ملل اعتقاد آنها این بود که احتمالا به دلیل حوادث داخلی و جوی که بر علیه ما شروع کردند ، ما در موضع انفعال قرار داریم. اما ما از موضع قدرت رفتیم و تندتر از قبل هم عمل کردیم. کدام یک از مدعیان ولایت جرأت داشتند آن طرف مرز اینگونه حرف بزنند؟ تا می روند آن طرف مرز محافظه کار می شوند.

از قبل برای ما روشن بود که از روز بعد از انتخابات شروع می کنند برای انتخابات ریاست جمهوری آینده کار کردن. چون دور آخر دولت بود، برخی بجای اینکه همکاری کنند از فردای انتخابات، موضوع انتخابات ریاست جمهوری بعدی در کارگروههایشان قرار دادند و چون می دانستند دولت محبوب است و رأی می آورد ، برای تخریب دولت برنامه ریزی کردند و اتهامات عجیب و غریب به دولت زدند. برنامه ریزی کرده اند و به مانعی بزرگ رسیده اند که ارتباط دولت با مردم است. خطی که در امتداد کار دولت ترسیم می شود به آنها نمی رسد. جلسات گوناگون گذاشتند تا جایگاه دولت را در افکار عمومی له کنند و دگرگون نمایند ؛ گفتند اگر خودمان را نمی توانیم بالا بکشیم دولت را پایین

می کشیم.

با یکی از کسانی که قبلاً به ایشان ارادت داشتیم و الان هم دوستشان داریم، بعد از این حوادث آمد پیش من با یک توپ پُر، دستش را گرفتم گفتم همه این برخوردها فقط برای انتخابات است. ناراحت شد ۴۵ دقیقه هرچی دلش می خواست گفت. شروعش این بود: شما خط فرهنگیتان از اول منحرف بود، شما با رمالها و جن گیران و... بودید شما بدنه حزب الهی را کنار گذاشتید و یک مشت دزد آوردید. همه را که گفت گفتم:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و جعلنا من خیر اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه

گفتم: یک مورد بگو که برنامه ریزی های فرهنگی دولت خلاف فتوای رهبری عمل شده باشد؟ گفت: مساله حضور بانوان در ورزشگاه ها. گفتم: اتفاقاً خاص این مورد از رهبری اجازه خواسته ایم ایشان فرمودند: به دولتهای قبل اجازه ندادم اما چون تو می خواهی اصلاح کنی اشکالی ندارد. بعدها که سروصدا شد فرمودند فعلاً مساله اول کشور نیست.

گفت آقا گفتند: در بحث فرهنگی دولت ضعیف عمل کرده و فرهنگ مظلوم است. گفتم: چه موقع گفتند؟ رهبری در دوره چه کسی گفت فرهنگ مظلوم است؟! (آقای صفارهرندی). البته بعد از موضع رهبری در قبال کار فرهنگی ما یک سال را سال کار فرهنگی دولت اعلام کردیم، و در تمام سفرها کمیسیون فرهنگی تشکیل شد.

گفت: مشایبی به ائمه جماعات پول داده! گفتم: خیر من داده ام نه مشایبی! قاعده این است که مسئول دفتر دستورات رئیس جمهور را ابلاغ می کند. ثانیاً مگر پول دادن به ائمه جمعه خلاف است؟ کجا مهمتر از ائمه جمعه است؟ ائمه جمعه مراجعات مردمی دارند، دفاترشان شلوغ است و هزینه دارد. خیلی هایشان درخواست کمک مالی داشتند و کسی نگفت که ما نمی خواهیم. بنده هم دستور دادم بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون بسته به وسعت شهر به همه ائمه جمعه پرداخت کنند و تازه به جز دو سه نفر کسی آنرا پس نداده اند.

گفتند: مشایبی به آدمهای فاسد میلیارد میلیارد پول می دهد! بعضی ها فکر می کنند گونی گونی آنجا پول گذاشتند همین جوری خرج می کنند! گفتم: مگر بودجه دست دولت است؟ هر جا جداگانه بودجه خودش را می گیرد. مگر دولت بدون حساب و کتاب است؟ حساب دارد، ذی حساب دارد، مملکت دیوان محاسبات دارد. مگر دستگاههای نظارتی کجا هستند؟ چرا مدرک رو نمی کنند؟ خود آنها هم می دانند که نمی شود یک ریال را هم بدون حساب و کتاب هزینه کرد.

ما که هر روز خودمان را فدایی این انقلاب می کنیم. من یه آدم بی استعداد بی اطلاع نیستم، من هر بار که سفر استانی می روم هر آن منتظر یک حادثه هستیم. دهها گروه برای ترور آمده اند که به فضل الهی خنثی و دستگیر شده اند، ریگی در اعترافاتش گفت چندبار می خواستیم ترور کنیم. ولی می ارزده تا رییس جمهور هوا شود اما مردمی بودن نظام حفظ شود چون قدرت نظام به مردم است. مسئول باید در کنار مردم باشد.

این شخص گفت: می گویند شما رفته اید کار کرده اید و محبوب شده ای و نظر شما درباره انتخابات آینده موثر خواهد بود! می پرسم تبلیغات کرده ام یا کار؟ گفت: تبلیغات نکرده اید، کار کرده اید! همه می گویند تبلیغات این دولت صفر است. گفتم پس برای آنها موضوع جریان انحرافی و اسلام و... نیست. مسأله انتخابات است اینها که گفتید همه تهمت است و مسأله اصلی انتخابات است و نه عملکرد دولت. وقتی کار می کنیم می گویند کار می کنید تا محبوب شوید. کار نمی کنیم می گویند باید دست دولت قطع شود. بالاخره ما چکار کنیم این وسط؟!!

همزمان هم می گویند انجن حجتیه و هم بهایی!! بهایی و حجتیه که با هم مخالفند ضد هم هستند! اینها می خواستند

تخریب ها را آبان ماه شروع کنند اما خدا خواست زودتر شروع کردند.  
دولت را به ارتباط با رمالها متهم کردند ، آخرش معلوم شد رمالها با همه ارتباط دارند الا دولت! کسانی کارهایشان را با رمالها هماهنگ می کنند که ادعای آخر خط سیاستمداری دارند! کسی که خدا را دارد نیازی به اینها ندارد چون «کفی بالله حسبیا» و «کفی بالله وکیلا» «ألیس الله بکاف عبده» اگر قرار بود کار ما با رمال و جن گیر باشد که نیاز نبود شهر به شهر برویم و جان بکنیم. به همان رمالها و اجنه می گفتیم که یک کاری بکنند! در ضمن اگر این رمال و جن گیرها کاری از دستشان بر می آمد که می توانستند جلوی دستگیری خودشان را بگیرند. خوب پس کو این همه رمال و جادوگر که گفتید با دولت ارتباط دارند؟ خوب کجا هستند؟ چطور شد؟ چرا صدایش به یکباره خوابید! این همه تهمت زدند و در آخر گفتند که این ها وابسته به بیگانه هستند!! گفتیم حالا که همه را گرفته اید و من می دانم که جراتش را ندارید بگویید اشتباه بود لاف بگویید اتهامات به دولت وارد نبود. در اردیبهشت گفتیم یک عده مصونیت دارند در تهمت ها و توهین ها به دولت.

گفتند در دولت فساد وجود دارد!! معاون اول من را متهم کردند به فساد مالی. من در جلسه سران قوا به رئیس قوه قضائیه گفتیم کو سند مبتنی بر فساد آقای رحیمی؟ رئیس قوه قضائیه گفت : من نگفتم رحیمی! فردای آن روز هم دادستان (آقای اژه ای ) گفت : رحیمی! روزنامه ها هم نوشتند رحیمی! اما سکوت کردند!! قبل از محاکمه مجازات کردند. شما که به همه حسابهای بانکی دسترسی دارید. در بیاورید که رحیمی چقدر پول دارد ، مشایبی چقدر پول دارد . گفتند مشایبی چهار میلیارد دلار برده گفتیم اسناد مالکیت و حسابهای بانکی که دست شماست اثبات کنید و ... به رهبری عزیز گفتیم : آقا اگر توانستند یک ریالش را ثابت کنند کنارشان که می گذارم هیچ خودم هم از مردم عذر خواهی می کنم و استعفا می دهم آقا فرمودند : حالا نگوید یک ریال ، گفتیم برای این دولت حتی یک ریال. اینها باید بدانند که در این مقطع هم شکست خواهند خورد.

در مورد قضیه اختلاس بانکی : دولت از ۶ سال پیش اصلاح ساختار بانکی را فریاد زده است، گفتیم این سیستم بانکی غلط است و در داخلش سوءاستفاده است. اما به جای اینکه اختیارات بدهند، اختیارات ما را کاهش دادند! در طول این ۶ سال همه آن کسانی که امروز مدعی سیستم بانکی و دولت شدند، بجای همراهی، مقابله کردند.  
در مورد فساد اخیر، این گروه ، قبل از سال ۸۰ کارشان را آغاز کردند. در کارهای مختلفی وارد شدند ، یکی رفته دنبال کارخانه خریدن ، یکی رفته دنبال تجارت و این اواخر می خواستند بانک تأسیس کنند. وقتی متوجه شدم که این گروه می خواهند بانک تأسیس کنند به ریس بانک مرکزی گفتیم اینها حمایت غیرقانونی می شوند بررسی کن بعد هم مجوزشان لغو شد. به این صورت بوده برای گرفتن وام به قراردادی بین فروشنده و خریدار در بانک ثبت میشود که در تاریخ مقرر وام به جای آنکه به فرد داده شود به فروشنده داده می شود. اینها اوراق بانک صادرات را برداشتند بردند بیرون بانک و برای خودشان LC درست کردند و این در نظام بانکی مرسوم است که LC بانکی می تواند در بانک دیگر اعتبار دریافت کند.

در ماجرای فساد بانکی اخیر اصل جرم و جعل اسناد در بانک صادرات بوده که یک بانک خصوصی است ، مدیر عامل بانک صادرات را وادار کردند روز جمعه مصاحبه بگذارد و بپندازد گردن دولت.. می دانم چه کسانی پشت اینها هستند که جزو همان ۵۰ - ۶۰ درصد است که هیچ وقت نمی شود گفت. قائم مقام بانک مرکزی را دستگیر کرده اند که تو در نظارت کوتاهی می کردی برو زندان او گفته وظیفه من نظارت عالیه است ، اما به مدیر عامل بانک صادرات که می رسد می گویند به شعبه ربط دارد ، ربطی به مدیر عامل ندارد. مدیر عامل بانک صادراتی (چهرمی) که بعد از آن همه ماجرا ۸ خرداد برای همین ها LC باز کرد و اعتبار تصویب کرده است ، هنوز آزاد است. آنوقت به قائم مقام

بانک مرکزی گفته بودند: بگو کار مشایبی است تا آزادت کنیم!! به او گفتند تو چرا از جلسه ای که با رؤسای بانکها داشتی صورت جلسه نداری؟ دزد در زندان است نمی روند از او بپرسند حامی تو چه کسی بوده ، از قائم مقام بانک مرکزی می پرسند!

کسی آمده نامه نوشته که بزرگ راه شمال را می سازم ، ما نامه را فرستادیم ، قرارگاه سازندگی هم نامه نوشته است ، عین همان را فرستاده ایم. آن وقت این را گرفتند سند که آقای مشایبی از دزدها حمایت کرده ، آیا آقای مشایبی مسئول تخلف در بانک صادرات است؟ شخص آقای جهرمی زنگ زده به رئیس شعبه گفته این وام را بدهید ، چون از دفتر رئیس جمهور پیگیری می کنند!! به دروغ منظورش دفتر جای دیگری بود. ولی گفته دفتر رئیس جمهور، چون که نمی توانسته اسم آنجا را برد! بی دینی و بی تقوایی اینقدر؟! چه خبر شده؟ آقای مشایبی از دزد حمایت کرده؟ خوب ۳۰ میلیون نامه رسیده. ما نوشتیم بررسی و مساعدت، پیشنهاد خوبی است! پس چه باید بنویسیم؟ چه طور من ۲ میلیون نامه دادم به بانک برای وام ۵ میلیون تومانی ، خودم امضا کردم که این ۱۰ میلیون وام گرفته برای مرغداری و ۲ ماه است قسطش عقب افتاده، عمل نکردند آنها را؟ معلوم است که یک بازی سیاسی کثیف است ولی بدانید که موفق نمی شوند.

در قضیه ای که گفتند دولت افراد مشکل دار را به بانک معرفی کرده ، بعد از قضیه تحریم برای واردات اقلام ضروری از تجار دعوت کردیم. با توجه به اینکه کار سودآور نبود ، افراد بسیاری را قبول نکردند. برخی را که قبول کردند جهت شروع کار به بانکها معرفی کردیم. ولی بعدا بانک گفت که اینها بدهکارند و وام نمی دهیم. این موضوع را آنچنان علیه دولت بزرگ نمایی کردند که دولت را تخریب کنند. اینها برنامه ریزی داشتند چون احساس کردند اطرافیان من می خواهند برای انتخابات وارد شوند! فکر کردند چهار پنج نفر دور من هستند شروع کردند به زدن آنها، که در گام اول مشایبی، سپس رحیمی بعد بقایی و بعد هم نوبت ثمره هاشمی مظلوم است.

هفت - هشت ماه نهادهای امنیتی به دروغ روی ما زوم کردند و از مسایل مهم غافل شدند. به فردی گفتم این کسی که تو آورده ای در نهاد امنیتی مسئولیت داده ای مشکل دارد. برای کشور مشکل درست خواهد کرد. گفت : اگر مشکل درست کند بلافاصله بیرونش می کنیم. گفتم آوردنش دست شماست ولی بیرون بردنش دست شما نیست! بنده خدا گفت : باید رحیمی را بردارید چون من می گویم!! به ایشان گفتم : شما که باشید که می گوید باید بردارم؟! من پای حق تا هرجا که باشد می ایستم! گفت : من مطمئنم تو طلسم شده ای!! گفتم چرا؟ گفت : چون یک نفر استاد و پیر این کار بوده و این حرف را گفته!! گفتم چه طلسمی؟ گفت طلسم محبت! گفتم به پیر سحر و جادو بگو بیاید طلسم ما را باطل کند! گفت: می گوید که طلسم آنقدر محکم است که اگر بخواهیم طلسم را بشکنیم به خودمان بر می گردد و ممکن است ما را بکشد! گفتم حواستان هست ، شما با زبان رمالها با من صحبت می کنید. شما با این حرفتان به حریم ربوبیت خدا تجاوز کرده اید. شما می دانید با این حرف چه لطمه ای به سی سال خدمات جمهوری اسلامی می رسانید؟ واقعا موجب خجالت بنده هست و بعد از ۳۲ سال می آیی و درباره جن و طلسم با من صحبت می کنی و من را متهم می کنی! مخالفین ما بعضی حرفها را می گویند که ما از بیت رهبری شنیده ایم. اینها از کجا از جلسه خصوصی من و رهبری مطلع می شوند که حرفهای خصوصی بین من و رهبری را می دانند؟ اینها که ما را به ضدیت با ولایت فقیه متهم می کنند می شود حسابهای بانکی و تغییرات دارایی هایشان را اعلام کنند؟! این سینا به کفر متهم کردند و گفتند که تو مسلمان نیستی. این سینا را با این دوییت جوابشان را داد:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود

محکمتر از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آنهم کافر  
پس در همه دهر یک مسلمان نبود

حالا حکایت ماست. شما بدانید که ولایت فقیه از جنسش، از جنس مودت و محبت است و نه یک حالت اخمو و خشن. بعضی ها فکر می کنند آقا آن بالا نشسته و با اخم و اشاره دست دستور میدهد! گفتم: رابطه ما و ولی فقیه رابطه پدر و فرزندی است همانطور که پیامبر فرموده اند: انا و علی ابوا هذه الامه، آمدند در اجتماع منیریه گفتند رابطه ما رابطه ارباب و رعیتی است، گفتند که رهبری می تواند زن شما را بر شما حرام کند. به رهبری عزیز گفتم با وجود این دوستان نیازی به دشمن ندارید! فاتحه ولایت خوانده می شود.

مگر ملاک ولایت پذیری چیست؟ حضرت علی(ع) می فرمایند: «اعینونی بالورع والاجتهاد» امام سجاد(ع) می فرمایند: «کونوا لنا زینا و لا تکون علينا شینا» مایه زینت ما باشید نه اینکه مایه آبروریزی ما. حضرت علی(ع) می فرمایند: مرا یاری کنید با ورع. مگر ورع غیر از پاک دامنی است؟ غیر از زهد است؟ غیر از بی اعتنائی به دنیا و قدرت است؟ و اجتهاد یعنی کار پیوسته، کار در کار، کار خستگی ناپذیر. نظام جمهوری اسلامی مگر غیر از ولایت فقیه است؟ چه کسی بیشتر از من خودش را فدای این نظام کرده؟ ولایت فقیه را آنقدر ارزان نکند که دستمایه بازی های سیاسی شود. حالا آقایی که همه چیز دارد از ویلا و... می گوید دولت ضد ولایت فقیه شده!! خودش همه چیز دارد و تنبل و بیکار است و لکه ای است بر دامن پاک ولایت فقیه. کسی که سالی دو سه ماه مرخصی دارد و کیف و تفریحاتش هم سرچایش

برقرار است و... چنین کسی اگر بگوید طرفدار ولایت فقیه است به ضرر ولایت فقیه است.

کسانی که ما را متهم کردند، بیایند فهرست اموال و حسابهای مالی خود را بگویند و اموال و حسابهای ما را هم در بیاورند، تنظیم میکنم دارای هایمان را اعلام کنیم و در روزنامه منتشر کنیم هرکس هرچه غیر از آن پیدا کرد مال خودش! بشرطی که آنها هم اعلام کنند و هرکی هرچی غیر از آن پیدا کرد مال خودش! تمام نارضایتی های مردم مربوط به کثافت کاریهای اینهاست. پابرهنه بودند و الآن اعیان نشین شده اند. مردم را به نظام بدبین کرده اند و حالا دم از ولایت می زنند. زمینهای کلان در بالای شهر خریده اند و خانه های آنچنانی دارند.

اسامی مفسدان را دادم گفتند سیاسی بوده، در جلسه سران قوا گفتم سیاسی بوده؟! بروم جواب بدهم؟ از قوه قضائیه خواستم ۷۰۰ هکتاری که کسی در اطراف تهران تصرف کرده بگیرد و به بیت المال برگرداند. اگر هر متر مربع آن را صد هزار تومان حساب کنید الآن ارزشی حدود هفتصد میلیارد تومان دارد. گفتند سیاسیه!!

می گویند احمدی نژاد به قضات فشار می آورد. اما من به شما می گویم اینها چون نمی توانند چیزی را اثبات کنند این حرفها را می زنند. همین ۴ سال انفصال خدمت آقای بقایی که می گویند موضوع اخلاقی و اقتصادی است؛ دارند بی تقوایی می کنند. سال ۸۲ صاحب خانه ای در شیراز به سازمان میراث مراجعه می کند و می خواهد خانه اش را به عنوان میراث فرهنگی اعلام کنند. کارشناسان که شورایی در هر هستند که بعد از بازرسی تشخیص می دهند این منزل جز میراث فرهنگی می باشد. سال ۸۶ عده ای از وراث منزل می خواهند این ساختمان را تخریب کنند، به از نظر کارشناسی سازمان که سال ۸۲ انجام شده شکایت می کنند و دادگاه هم رای به عدم میراث فرهنگی بودن خانه می دهد. روند این پرونده ها این گونه است که به محض حکم دادگاه شخص می رود کار خودش را انجام می دهد. دادگاه بعد از حکم از آقای بقایی بخاطر اعلام نظر کارشناسی در مورد این ساختمان که جنبه اجرایی هم نداشت با دو، سه تا قاضی عوض کردن، به دلیل اینکه گفته من نظرم نظر شورای نظارت است، دادگاه حکم به چهارسال انفصال خدمت داده در صورتی که قضیه تمام شده و شخص شاکی هم دنبال کار تخریب منزل

رفته است.

غربی ها به دنبال این هستند که با اتهام پولشویی یعنی استفاده از پول قاچاق مواد مخدر برای تروریسم بانکهای ما را تحریم کنند. طرف شعور ندارد در تلویزیون بعنوان کارشناس می آید و می گوید دولت پولشویی دارد. نمی فهمد با این حرفش آبروی نظام را می برد و برای نظام مشکل ایجاد میکند. من اگر احساس کنم کلیت کشور دارد به خطر می افتد سکوت می کنم. به حضرت آقا گفتم اینها خیلی تند می روند و به تذکر شما هم گوش نمی کنند. عرض کردم اجازه بدهید اینها را با روش احمدی نژادی ظرف یک ماه سر جای شان بنشانم. حضرت آقا فرمودند: کشور فعلا آرامش می خواهد. ما را متهم می کنند که می گوئیم ظهور صغری آغاز شده و دیگر ولایت نمی خواهیم!! اگر هم که ظهور صغری آغاز شده باشد به ولایت بیشتر احتیاج داریم. در چنین شرایطی باید قویتر و منسجم تر باشیم. باید بدانیم دوران ما دوران تحمل است. بسیاری از طرفداران دولت در سراسر کشور حقشان ضایع شد. هر چه به ظهور نزدیک تر می شویم احتیاج ما هم به ولایت فقیه بیشتر می شود.

اینها با بسیجیان و ائمه جمعه و ... جلسه گرفته اند که به مردم بگوئید به استقبال دولت نروید چون دولت منحرف است. ما می گوئیم مسئله نظام است که دولت مورد استقبال قرار بگیرد و عدم استقبال موضع بین المللی نظام را تضعیف می کند و لطمه می زند. وقتی رهبری در شرایطی که مردم تعیین کننده نظام ها هستند به سفر استانی می روند تمام دسیسه های دشمن نقش بر آب می شود. چون ثابت می کنند نظام ما مردم پشت سرش هستند. اینها می گویند باید کاری کنیم که نام احمدی نژاد و آثار او را به طور کامل محو کنیم؛ شما عددی نیستید، چون کار برای خداست و کار برای خدا هم از بین نمی رود. برای خدا آماده باشید و کار کنید. کار، کار، کار. همیشه برای خدا در صحنه باشید. بعضی وقتها بعضی ها در صحنه هستند برای خودشان. اینها که سهل اند، آمریکا و اروپا و ... هم جمع شوند نمی توانند این دولت را زمین بزنند. هنوز اول عشق است! تا روزی که امپراتوری آمریکا از کاخ سفید به زیر کشیده شود و عدالت حاکم شود کار داریم هنوز! مسیر پر پیچ و خمی است و هوشمندی می خواهد. دشمنان دنبال فتنه جدیدند. هر چه آزمایش سنگین تر و بزرگتر شود، نتیجه اش بیشتر و وسیع تر خواهد بود. به خدا هیچ لکه ننگی به این دولت نمی چسبید. البته من ضعیف تر از ضعیف ترم. مطمئن باشید آینده از آن ماست. من قول می دهم، الان هم اگر مردم باور کنند که کسی طرفدار دولت است و دولت از وی حمایت می کند، به وی رأی خواهند داد.

حسینی وزیر اقتصاد که قهرمان کشتی دانشجویان بوده، در تحقیق و تفحص مجلس گفته بود ما رفتیم فینال یا اول می شویم یا دوم! آخرش روی سکو هستیم. گفتم اصلاح کنید کلامتان را، کار برای خدا همیشه پیروزی است. اگر برای خدا باشد اگر بدنت زیر سم اسب ها باشد باز هم پیروز خواهی بود. یک آقای که تندروی کرد و گفت: بزرگترین خطر از صدر اسلام تا کنون همین ها هستند و هفته بعد گفت: البته اینها عددی نیستند، پیغام دادم که نگران شما هستیم. آن شخصی که می خواست پیام را ببرد گفت: به چه دلیلی این حرف را می زنی؟ گفتم: که دولت نهم را خدا سر کار آورد. احمدی نژاد فقط یک فلش جهت نما بود. اگر کسی در ذهنش خطور کند که این دولت را او سر کار آورده خدا یک جا حالش را می گیرد، و به او نشان می دهد که هیچ کاره بوده. چون اگر ایشان این دولت را سر کار آورده با موضعگیری ایشان هم باید می رفت. این دولت را خدا آورده و خدا هم تابحال حفظ کرده است. ما همه کارمان برای خداست. حتی تبعیتمان از ولایت فقیه هم باید برای خدا باشد نه مطامع دنیوی. تبعیت از پیامبر هم باید برای خدا باشد و اگر برای فردی باشد، به جایی نخواهیم رسید. به خدا



اگر ما را آخرین نفر صف مومنان هم به حساب بیاورند کلاهمان را به آسمان هفتم می اندازیم.

به ما گفته اند که شما یک جریان انحرافی هستید. گفتیم مگر شما اصل اسلام هستید که هر کس از شما زاویه داشت منحرف باشد؟! اگر اینطور است بله ما منحرف هستیم، ما هزار بار از شما منحرفیم. من خبر دارم چه خبر است! ما در آینده شاهد پیروزی حتمی هستیم. روز پشیمانی نزدیک است که بیایید و بگویید اشتباه کرده ایم و دولت چین و چنان است.

مطمئن باشید اگر این دولت نیم ساعت فرصت حرف زدن داشته باشد قیمت سوراخ موش بالا می رود!

#### سوالات حاضرین:

- علت برداشتن متکی در حین مأموریت چه بود؟

آقای متکی در دوره اول کاندیدای من نبود، در دولت دهم که اصلاً وزیر من نبود. من در دور دوم دولت با ایشان دیگر کاری نداشتم و تمام کارهای بین المللی به عهده خودم بود. گذشت تا در اولین سفر دولت دهم به نیویورک، سه چهار تا دیپلمات را که بنده مخالف اعزام اینها به کشورهای غربی بودم، ایشان به غرب اعزام کرد و آنها هم رفتند و پناهنده شدند. بعد از سفر نیویورک، در جلسه ای قضیه بررسی شد و بنا شد ایشان عوض شوند. به هر حال از روزی که تصمیم گرفتیم که ایشان وزیر نباشد، ایشان مداوماً در سفر بود حتی در دولت هم که حضور پیدا می کرد سریعاً ناپدید می شد تا اینکه بعد از سه ماه بالاخره در ساعت ۵ بعد از ظهر و بعد ساعت ۱۰ شب با ایشان وقت تنظیم شد و به ایشان گفتیم که شما دیگر در دولت وزیر نیستید ولی من دوست دارم شما بعنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی فعالیت کنید. گفت من امشب میخواهم به سنگال بروم و اصرار کرد که من می روم. گفتیم شما از نظر من وزیر نیستی. ولی با این حال با هواپیمای اختصاصی رفت و گفت که دوشنبه ظهر بر می گردم.

من هم همانجا حکم عزل ایشان را صادر کردم و نوشتم که دوشنبه عصر اعلام شود. دوشنبه در سفر استانی بودم، یک دفعه عصر گفتیم شاید از سفر برگشته باشد؛ با دفتر تماس گرفتیم که فعلاً حکم را اعلام نکنند. گفتند پنج دقیقه قبل اعلام کردیم. گفتیم بردارید تا مطمئن شویم که برگشته است. گفتند دیگر دیر شده چونکه در رسانه ها منتشر شده است. بعد که از سفر برگشتند، از مدیرکل تشریفات وزارت خارجه پرسیدم چرا دیر آمدید؟ گفت: دوشنبه ظهر جلسات رسمی تمام شد و بنا بود برگردیم ولی ایشان به من گفت که یک قرار شام بگذار و سفر را تمدید کن. گفت حتی اگر می توانید یک سفر دیگر هم برای من هماهنگ کن تا من از اینجا مستقیم به ایران نروم. ضمناً زمانی هم که ایشان حکم عزلش اعلام شد، در هیچ جلسه رسمی نبوده است.

بعداً معاونان ایشان به ما گفتند که ما تعجب می کردیم چون ایشان از همان سه ماه قبل به ما گفته بود هر جا که می توانید برای من سفر هماهنگ کنید. فقط سفر باشد هر جا بود مشکلی نیست! این معاونان می گفتند ما نمی دانستیم چه اتفاقی افتاده ولی ایشان اصرار به سفر خارجی داشتند. مأموریت ها را باید من به وزیر می دادم اما ایشان بدون هماهنگی با من همه جا میرفت و این سفرها نه نتیجه ای و نه گزارشی داشت.

- تکلیف مافیای نفت چه شد؟ چرا اسامی مفسدین نفتی را اعلام نمیکنید؟

ما لیست اسامی مفسدین را به قوه قضائیه دادیم و گفتیم اینکه کار سیاسی نیست! رسیدگی کنید و اعلام کنید. ماجرای

هفتصد هکتار راهم به قوه قضائیه دادیم پیگیری نکردند.

- نظرتان درباره جبهه پایداری و ۷+۸ چیست؟

۷+۸ را از هر طرف بخوانید باز هم همان ۷+۸ است. حتی اگر آنرا وارانه هم کنید باز هم همان ۷+۸ است. پیداست سرو تهش یکی است. ما با اینها ارتباطی نداریم. فعلا هر دو گروه اثبات خودشان را در نفی دولت می دانند.

- چرا از تعبیر بیداری انسانی به جای بیداری اسلامی استفاده می کنید؟

اولا که اسلام آمده است که انسانها را بیدار کند. من این حرف را در جمع همایش مبارزه با تروریسم گفتم. این تعبیری بیداری انسانی درباره بیداری در غرب و اروپا و آمریکا هم صادق است. در مصر ۴۰ درصد مردم مسلمان نیستند. همچنین هر کس پیرو واقعی حضرت موسی باشد حضرت عیسی را هم قبول دارد و هر کس پیرو واقعی حضرت عیسی باشد پیامبر اسلام را نیز قبول دارد. پس همه مسلمان هستند. هر کس پای ارزشهای الهی باستد مسلمان است.

دی ماه 1390